



تأثیر اختلالات جنسی بر انحلال نکاح و راهکارهای حقوقی پیشگیری از آن

فاطمه آزاد سروسنانی*^{id}

محبوبه مینا^{id}

کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، ایران
استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، ایران

z.azad9724@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۲ پیاپی ۱۶ | ۶۳۰-۶۵۲
تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(آزاد سروسنانی و مینا، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

آزاد سروسنانی، فاطمه، و مینا، محبوبه. (۱۴۰۲). تأثیر اختلالات جنسی بر انحلال نکاح و راهکارهای حقوقی پیشگیری از آن. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۲)، ۶۳۰-۶۵۲.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بازنگری در برخی از مواد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قانون مدنی است تا بتواند از فروپاشی بنیان خانواده در مواردی که موضوع آن عیوب (اختلالات) جنسی زوجین است جلوگیری کند. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و با استفاده از آرای قضایی، کتب، پایان نامه و مقالات معتبر به رشته تحریر درآمده است. **یافته‌ها:** براساس یافته‌های این پژوهش در راستای استحکام بنیان خانواده باید اختلالات جنسی زوجین قبل از ثبت نکاح توسط متخصصین بررسی گردد و در انحلال نکاح به سبب فسخ و طلاق نیز دادگاه باید در جریان رسیدگی با هدف اصلاح بین زوجین آن‌ها را الزام به درمان نماید. به منظور حفظ حقوق زوجه در شرایط خاصی با اینکه عیب زوج قابل درمان است اما هم چنان حق فسخ نکاح برای زوجه به استناد عیب باقی است و با تصریح اختلالات جنسی در تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی دشواری اثبات عسرو حرج از زوجه ساقط می‌شود. **نتیجه‌گیری:** نباید اختلالات جنسی که قابل درمان هستند را در تمام موارد موجب انحلال نکاح دانست و دادگاه باید زوجین را برای درمان به مراکز تخصصی معرفی کند. بازنگری در برخی از مواد قانون مدنی و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌تواند موجب تشخیص و درمان به موقع اختلالات جنسی زوجین گردد و آمار انحلال نکاح را کاهش دهد. **کلیدواژه‌ها:** طلاق به درخواست زوجه، طلاق در حقوق کشورهای اسلامی، عیوب (اختلالات) جنسی، فسخ نکاح.

مقدمه

انحلال نکاح به معنای انقطاع و از بین رفتن رابطه زناشویی است که علل مختلفی می‌تواند داشته باشد. مطابق ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی "عقد نکاح به فسخ یا طلاق یا بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود." فوت یکی از زوجین، انقضاء مدت در عقد منقطع نیز از موجبات انحلال نکاح است. بعضی از عیوب موجود در زن یا مرد، تدلیس و تخلف از شرط صفت از موجبات فسخ است و مبنای فسخ نکاح جلوگیری از زیان همسری است که دارای حق فسخ می‌باشد (امامی و صفایی، ۱۳۹۷). کلیه موجبات فسخ نکاح باید در زمان انعقاد نکاح وجود داشته باشد تا به طرف مقابل حق فسخ دهد جز جنون و عنین مرد که اگر بعد از عقد هم حادث شده باشد به زن حق فسخ می‌دهد. اگر فرد قبل از نکاح به وجود عیب یا جنون در طرف مقابل آگاه باشد بعد از نکاح حق فسخ ندارد. بر اساس ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی اگر نکاح قبل از مباشرت، توسط یکی از زوجین فسخ شود به زن مهری تأدیه نمی‌شود مگر اینکه علت فسخ نکاح عیب عنین باشد که در این صورت زن مستحق نصف مهر است (توکلی، ۱۴۰۰). عیوبی که وجود آن‌ها برای طرفین عقد نکاح، حق فسخ ایجاد می‌کند به سه گروه عیب مشترک، عیوب ویژه زن و عیوب ویژه مرد تقسیم می‌گردد. براساس مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی عیوب جنسی قرن و افضاء در زنان و عیوب عنین، خصاء و مقطوع بودن آلت تناسلی (جب) در مردان سبب حق فسخ نکاح است (قربانی، ۱۴۰۰).

عنین: عنین موجب می‌شود قوه نثر آلت تناسلی مرد ضعیف شود و قادر به نزدیکی نباشد (امامی، ۱۳۴۰). در بیان فقها تنها به عدم توانایی مباشرت به سبب عدم انتشار عضو اکتفا شده است بدون اینکه تمایلات جنسی در آن دخیل باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، انصاری، ۱۴۱۵، سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ و سبزواری، ۱۴۱۳). براساس روایات اگر مرد دچار عیب عنین باشد و زوج قبل از نزدیکی نکاح را فسخ کند مرد باید نیمی از مهرالمسمی را به او بپردازد (کلینی، ۱۴۰۷، طوسی، ۱۴۰۷ و حرعاملی، ۱۴۰۹). خصاء: به کسی که اخته شده باشد خصاء می‌گویند (کاتوزیان، ۱۳۹۴). خصاء در صورتی موجب حق فسخ است که پیش از نکاح حادث شده باشد و زن جاهل به آن عیب باشد و هم چنین باید عیب مانع از انجام وظایف زناشویی باشد. این شرایط در عیب مقطوع بودن آلت تناسلی هم ضرورت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۲). خصاء از دو جهت عیب محسوب می‌شود اول اینکه جلوی تولد و تناسل را می‌گیرد و دوم اینکه ضعف در آمیزش ایجاد می‌کند و به تدریج آمیزش به طور کلی منتفی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴). مقطوع بودن آلت تناسلی: قطع شدن کامل یا مقداری از آلت تناسلی مرد است به گونه‌ای که کمتر از ختنه‌گاه باقی بماند و به فرد آلت بریده محبوب گفته می‌شود. (حلی، ۱۴۰۷، ابن براج، ۱۴۰۶) قرن: استخوان یا گوشت زانندی است در رحم زن که مانع از نزدیکی با او می‌شود. افضاء: زمانی است که مجرای بول و حیض یکی گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۴).

در مورد بقا یا ساقط شدن حق فسخ نکاح به موجب عیوب قابل درمان برخی از استادان حقوق بیان کرده اند: چون حق فسخ با عیب به وجود آمده است اگر شک در بقای آن شود وجود حق استصحاب می‌شود و دارنده حق می‌تواند نکاح را بر هم زند. اما از آن جا که خیار برای جلوگیری از ضرر است و با رفع عیب قبل از اعمال خیار، ضرر از بین می‌رود لذا مصلحت خانواده در آن است که از انحلال نکاح جلوگیری شود و می‌توان گفت حق فسخ نکاح ساقط می‌گردد (امامی و صفایی، ۱۳۹۷). چنانچه عیوب موجود در قانون قبل از اعمال حق فسخ از سوی طرف مقابل درمان شود حق فسخ موضوعش را از دست خواهد داد. ملاک

این حکم از عیب عنن فهمیده می‌شود که طبق روایات به مرد یکسال فرصت برای درمان داده می‌شود (میرداداشی، ۱۳۸۹).

از منظر علم روانشناسی در ناکارایی جنسی، هنگام ارتباط جنسی کارایی کافی و رضایت بخش وجود ندارد برای مثال فرد به ارگاسم نمی‌رسد یا برانگیخته نمی‌شود. دو اختلال مختص جنس هستند: یکی انزال زود هنگام که در مردان دیده می‌شود و دیگری اختلال درد/دخول تناسلی که مربوط به مشکلات دخول زمان مقاربت است و در موارد بسیاری معلول انقباضات دردناک یا اسپاسم مهبل می‌باشد که ظاهراً فقط در زنان وجود دارد. هم چنین ناکارایی‌های جنسی می‌توانند عمری یا اکتسابی باشند. منظور از عمری، اختلال مزمنی است که در طول مدت زندگی فرد وجود دارد؛ اکتسابی به اختلالی اطلاق می‌شود که بعد از مدتی فعالیت جنسی بهنجار ایجاد می‌شود. علاوه بر این اختلالات می‌توانند تعمیم یافته، یعنی هر وقت که فرد می‌خواهد رابطه جنسی داشته باشد رخ دهند یا وضعیتی باشند، به معنای اینکه در مواقع خاص یا با شرکای خاص رخ دهند (بارلو و مارک دیورند، ۱۳۹۵). اختلالات جنسی در علم روانشناسی طبق کتاب **DSM-5** عبارت است از: اختلالات میل و برانگیختگی، اختلالات ارگاسمی (اوج) و اختلالات درد جنسی. در ملاک‌های تشخیصی تمام بدکاری‌های جنسی تاکید شده است که این بدکاری باید تداوم داشته و بازپیدا باشد و سبب احساس پریشانی قابل توجه یا مشکلات کاربردی گردد. اگر این مشکل به موجب یک بیماری پزشکی مثل دیابت پیشرفته که می‌تواند باعث مشکلات نعوظی در مردان شود یا به خاطر یک اختلال روانی مثل افسردگی عمده باشد تشخیص بدکاری جنسی داده نمی‌شود. اختلالات میل و برانگیختگی شامل اختلال میل جنسی کم کار در مردان (مربوط به تخیلات و امیال جنسی ناکافی یا نبود این موارد است)، اختلال نعوظی (به معنای نارسایی در رسیدن به نعوظ یا حفظ آن تا زمان تمام شدن فعالیت جنسی) و اختلال علاقه/برانگیختگی جنسی در زنان (مربوط به کاستی‌های دائمی در علاقه جنسی، برانگیختگی زیستی یا برانگیختگی ذهنی است) می‌باشد. اختلالات ارگاسمی شامل اختلال ارگاسمی زنان (نبود یا افت شدت ارگاسم بعد از برانگیختگی جنسی)، انزال دیررس (درنگیده یا دیر هنگام) و انزال زودرس (انزال بسیار زود هنگام) که به مشکل دائمی در انزال اشاره دارد را در بر می‌گیرد. اختلالات درد جنسی، به معنای درد دائمی یا بازپیدا در حین آمیزش است (دیویسون، نیل، کرینگ و جانسون، ۱۳۹۵).

اختلالات جنسی مذکور در قانون موجب حق فسخ است (عیب عنن با اختلال نعوظ، عیب قرن با اختلال واژینیسموس و هم چنین اختلال انزال زودرس مشروط به عدم توانایی دخول با عیب عنن شباهت زیادی دارند) و سایر اختلالات جنسی که در قانون بیان نشده موجب حق فسخ نیست. سایر اختلالات غیر مصرح در قانون تنها می‌تواند به طرف مقابل حق تقاضای طلاق دهد (اصغری، ۱۳۹۲). در فقه و حقوق اسلامی اختلالات جنسی که به زوجین حق فسخ نکاح می‌دهد تحت عنوان عیب قرار می‌گیرد (خورسندیان، ۱۳۸۳). کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی **DSM-5** ملاک‌های تشخیص اختلالات جنسی را بیان کرده است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از موجبات انحلال نکاح طلاق می‌باشد. در حقوق امروز ایران، طلاق ممکن است به حکم دادگاه یا بدون آن واقع شود. طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا

نماینده او. بنابراین طلاق مختص نکاح دائم است و موجبات طلاق در حقوق فعلی ایران می‌تواند ناشی از اراده مرد، اراده زن یا طلاق با توافق زوجین باشد. بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مرد با رعایت شرایط مقرر در این قانون و با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید. زن نمی‌تواند تقاضای طلاق کند جز در مواد قانونی ۱۱۲۹ (استنکاف یا عجز شوهر از دادن نفقه)، ۱۱۱۹ (وکالت زوجه برای طلاق) و ۱۱۳۰ (عسروحرج زوجه) که قانون اجازه داده و زن می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند (امامی و صفایی، ۱۳۹۷). در تنظیم اولیه ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی وجود سه سبب عدم ایفای وظایف زوجیت، سوء معاشرت و ابتلا زوج به بیماری صعب‌العلاجی که سبب مخاطره زوجه باشد، برای او حق طلاق ایجاد می‌کرد امکان طلاق در ماده منحصر به وجود عسروحرج برای زوجه نبوده است به ویژه بند اول، صرف عدم ایفای وظایف زوجیت را صرف نظر از اینکه موجب عسروحرج شود یا خیر موجب طلاق دانسته است. این ماده در سال ۱۳۶۱ و در جریان اصلاح موادی از قانون مدنی تغییر پیدا کرد و قانون گذار وجود عسروحرج را برای ایجاد حق طلاق لازم دانست. این سبب در اصلاح بعدی ماده مرقوم در سال ۱۳۷۰ حفظ شد. قانون گذار در سال ۱۳۸۱ به منظور جلوگیری از تشتت آراء در تعیین مصادیق عسروحرج تبصره ای به ماده ۱۱۳۰ افزود تا برخی از مصادیق عسروحرج مشخص گردد (جلالی، ۱۳۸۸).

اگرچه پژوهش‌هایی در رابطه با عیوب موجب فسخ نکاح نگارش شده است، اما تا کنون پژوهشی به تأثیر عیوب (اختلالات) جنسی بر انحلال نکاح و راهکارهای حقوقی پیشگیری از آن با توجه به شیوه کار ارائه شده در این پژوهش، نپرداخته است. بعضی از کارهای تحقیقی که در زمینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش انجام شده عبارت است از: در پژوهش اصغری (۱۳۹۲) که به بررسی تبیین حقوقی و روانشناختی اختلالات جنسی زوجین بر انحلال نکاح پرداخته شده نشان داده شد که فقط برخی از عیوب جنسی در قانون و متون فقهی تصریح شده اند در حالی که برخی دیگر از اختلالات جنسی از منظر علم روانشناسی با توجه به تأثیری که بر روابط زوجین دارند مورد توجه بیشتری اند. یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر آن است که میان اختلال نعوظ و عیب عنن، اختلال واژینیسیموس و عیب قرن (عقل یا رتق) و هم چنین اختلال انزال زودرس مشروط بر عدم توانایی دخول و عیب عنن شباهت زیادی وجود دارد و با توجه به پیامدهای میان فردی نامطلوب ناشی از اختلالات جنسی هریک زوجین مثل نارضایتی جنسی یا تمایل به ارتباط با جنس مخالف، با استناد به ادله قائلین به تمثیلی بودن عیوب موجب فسخ نکاح باید عیوب را حصری ندانست. غدیری و فروتن (۱۳۸۷) در پژوهشی اختلالات جنسی را عامل پنهان طلاق می‌دانند. در پژوهش آن‌ها نشان داده شد که خانواده دارای ابعاد پیچیده ای است و نیازمند کارشناسان متخصص و دقیق است. هم چنین بیان گردیده آمارها نشان می‌دهد که یکی از علل اصلی طلاق عدم ارضای غریزه جنسی زوجین است که می‌تواند سبب ناسازگاری زوجین گردد و دلایل مختلفی مانند علل روانی یا پزشکی می‌تواند داشته باشد در نتیجه علاوه بر ضرورت وجود مراکز مشاوره خانواده برای برخورد تخصصی با مسائل خانواده، با توجه به اینکه اختلالات جنسی ممکن است ناشی از علل پزشکی باشد پس وجود پزشک آموزش دیده در ترکیب مشاوران مرکز اهمیت دارد. در پژوهش خورسندیان (۱۳۸۳) که به بررسی اختلالات جنسی و آثار آن بر حقوق خانواده پرداخته شده نشان داده شد نارسایی‌های جنسی اهداف خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بعضی مشکلات جنسی به طرف مقابل حق فسخ نکاح می‌دهد و برخی دیگر موجب حق طلاق است و اگر عیوب جنسی قبل از اجرای حق فسخ درمان گردند حق فسخ

از بین می‌رود. حاجی علی و ریاضت (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی نقش رویه قضایی در اجرای ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند مرد اختیار طلاق دارد و هر وقت بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد اما حق درخواست طلاق توسط زوجه محدود به موارد خاصی مثل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی است که موجب رهایی زن از زندگی مشقت‌بار است و قاعده "الطلاق بید من اخذ بالساق" را تعدیل می‌کند. هم‌چنین رویه قضایی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در تبیین مفهوم، قلمرو و شرایط اجرای ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و تعیین مصادیق عسر و حرج دارد. بنظر می‌رسد با توجه به تأثیر اختلالات جنسی بر خانواده، پرداختن به راهکارهایی حقوقی با هدف حفظ استحکام بنیان خانواده و جلوگیری از انحلال نکاح به موجب عیوب (اختلالات جنسی) ضروری است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده است علاوه بر بررسی تأثیر اختلالات جنسی بر انحلال نکاح، ضرورت بازنگری در برخی از مواد قانون مدنی (مواد ۱۱۳۰ و ۱۱۳۲) و قانون حمایت خانواده (مواد ۲۳ و ۲۷) نیز به منظور حفظ حقوق زنان و جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده مورد مطالعه قرار بگیرد. این پژوهش به دنبال ارائه پاسخ به این سؤالات می‌باشد: تأثیر اختلالات جنسی بر انحلال چیست؟ راهکارهای حقوقی پیشگیری از انحلال نکاح کدام‌اند؟

روش پژوهش

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای تجزیه و تحلیل مطالب بهره می‌گیرد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و از طریق منابع در دسترس مثل قوانین حقوقی مرتبط با حقوق خانواده به ویژه قانون مدنی و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، آرای قضایی، پایان‌نامه، کتب و مقالات نشریات معتبر بهره برده است. در نهایت با استفاده از مطالب گردآوری شده به تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

با تجزیه و تحلیل اطلاعات مشخص گردید که عیوب (اختلالات) جنسی موجب انحلال نکاح است. هم‌چنین اتخاذ راهکارهایی حقوقی می‌تواند در بسیاری موارد از انحلال نکاح جلوگیری کند. یافته‌های پژوهش در دو مبحث بیان می‌گردد:

۱- تأثیر عیوب (اختلالات) جنسی بر انحلال نکاح

۱-۱- فسخ نکاح: عیوب جنسی مقرر در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی با رعایت شرایط مقرر در قانون به طرفین حق فسخ نکاح را می‌دهد. مطابق دیدگاه غالب در دکترین حقوقی هرگاه بعد از عقد و قبل از فسخ، عیبی که موجب ثابت شدن حق فسخ شده است، از بین رود به دلیل منتفی شدن ضرری که مبنای حق فسخ است، حق فسخ نکاح ساقط می‌گردد و فرقی بین فرضی که عیب بدون مداوا رفع شده و فرضی که عیب با مداوای پزشکی و جراحی برطرف شود وجود ندارد (قربانی، ۱۴۰۰). حق فسخ زن نیز در صورت قابل درمان بودن عیوب زوج ساقط می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۴). بر اساس یافته‌های پژوهش بنظر می‌رسد شایسته است در خصوص قابل فسخ بودن عیوب قابل درمان، بین عیوب جنسی زوج و زوجه تفاوت قائل شد:

الف) عیوب جنسی مختص زوج: در این حالت بهتر است حتی اگر عیب قابل درمان باشد در شرایطی زوج حق فسخ نکاح داشته باشد؛ زیرا مواردی که زوج حق دارد انحلال نکاح را تقاضا کند محدود می‌باشد و طلاق در اختیار زوج نیست تا به راحتی بتواند در صورتی که ضرری در زندگی بر او بار می‌شود تقاضای طلاق کند. لذا بهتر است در مواقعی که عیب زوج قابل درمان است؛ اما ممکن است دوره درمان طولانی مدت باشد یا درمان به طور کامل صورت نگیرد و عیب هنوز با درجه کم‌تر باقی باشد یا درمان برای مدت کوتاه بتواند مؤثر باشد و در طول زمان اثرش از بین برود، برای حفظ حقوق زوج باید وجود ضرر ناشی از عیب را هم چنان استصحاب کرد و برای او قائل به حق فسخ شد. اما به منظور جلوگیری از سوءاستفاده زوجه از این موضوع دادگاه باید فقط در مواردی که مصلحت زوجه ایجاب می‌کند حکم فسخ نکاح را صادر کند.

ب) عیوب جنسی مختص زوجه: در مورد حق فسخ نکاح عیوب قابل درمان می‌توان به حکم ماده ۴۷۸ قانون مدنی عمل کرد. بنابراین حق فسخ نکاح از بین خواهد رفت (کدوری، ۱۳۹۵). ماده ۴۷۸ قانون مدنی بیان می‌کند: "هرگاه معلوم شود عین مستأجره در حال اجاره معیوب بوده مستأجر می‌تواند، اجاره را فسخ کند یا به همان نحوی که بوده است، اجاره را با تمام اجرت قبول کند، ولی اگر مؤجر رفع عیب کند، به نحوی که به مستأجر ضرری نرسد، مستأجر حق فسخ ندارد." بنظر می‌رسد از این ماده می‌توان وحدت ملاک گرفت و برای زوج در صورتی که درمان عیب زوج هر چند به طور ناقص ممکن باشد و عیب به طور کامل درمان نشود و آمیزش جنسی امکان پذیر باشد حق فسخ قائل نشد و حتی زوج را مکلف به پرداخت هزینه درمان زوج در مواردی که عیب در طول زندگی مشترک ایجاد شده به هر میزان که باشد کرد چون همان طور که بیان شد زوج اختیار طلاق دارد و هر زمان بخواهد می‌تواند ضرر وارده بر خود را از بین ببرد؛ اما در مورد عیوب زوج در مواردی مانند اینکه عیب به طور موقت قابل درمان باشد، بر اساس ماده ۴۷۸ قانون مدنی نمی‌توان عمل کرد و در این صورت زوج حق فسخ نکاح هم چنان خواهد داشت. البته باید توجه داشت در صورتی که عیب قابل درمان است و زوج با سوء نیت و به قصد ورود ضرر بر زوج اقدام به درمان نکند حق فسخ نکاح برای او باقی می‌ماند. در مباحث آتی در مورد نحوه رسیدگی دادگاه به دعوای فسخ نکاح در صورتی که عیب قابل درمان یا غیر قابل درمان باشد بحث خواهد شد و پیشنهاد خواهد شد که بهتر است ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی مورد بازنگری قرار گیرد.

۱-۲- طلاق: طلاق به اختیار مرد است و هر زمان می‌تواند تقاضای طلاق کند. به طور استثنای در مواردی که قانون تصریح کرده زوجه می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق کند. طلاق به دلیل عسرو حرج (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) یکی از این موارد است (توکلی، ۱۴۰۰). عسرو حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوج به مشقت همراه کرده و تحمل آن مشکل باشد. موارد مذکور حصری نیست و دادگاه می‌تواند در موارد دیگری نیز عسرو حرج زوج را احراز و حکم طلاق به درخواست او صادر نماید. مصادیق ذکر شده در تبصره اماره قانونی عسرو حرج است که با احراز آن‌ها دادگاه باید حکم طلاق به درخواست زوجه صادر کند لیکن خلاف آن توسط زوج قابل اثبات است (امامی و صفایی، ۱۳۹۷).

بر اساس یافته‌های پژوهش با اینکه در پنج بند تبصره ماده ۱۱۳۰ ذکر از عیوب (اختلالات) جنسی به عنوان مصادیقی که برای زوج سبب عسرو حرج است بیان نشده ولی مصادیق این ماده حصری نیست و

اختلالات جنسی از مصادیق عسرورج محسوب خواهد شد. قانون مدنی فقط برای عیوب جنسی که به صراحت ذکر شده است حق فسخ نکاح می‌شناسد و برای سایر اختلالات جنسی و بیماری‌های دیگر که مشمول حق فسخ نیست یا ممکن است در طول زمان ایجاد شود حق فسخی بیان نکرده است؛ لذا در سایر حالات زوجه ای که از اختلال جنسی همسر خود در عسرورج است، می‌تواند براساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی هم موضوعی که سبب عسر و حرج او گردیده و هم وجود عسر و حرج خود در زندگی زناشویی که ناشی از آن سبب است را در دادگاه اثبات کند تا دادگاه بتواند حکم طلاق صادر کند. با توجه به اینکه اثبات عسرورج امری مشکل یا غیر ممکن است به منظور رفع دشواری اثبات عسرورج باید اختلالات جنسی به بندهای مصرح تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی افزوده شود تا اماره قانونی عسرورج تلقی گردد و با احراز عیب، دادگاه حکم طلاق او را صادر کند و دیگر زوجه دشواری اثبات عسرورج خود در زندگی را نداشته باشد. به عنوان مثال اگر اختلالات جنسی به بند های تبصره ماده اضافه گردد، در این حالت زوجه همین که به طریقی اثبات کند همسرش اختلال جنسی دارد دیگر لازم نیست که اثبات کند در عسرورج هم می‌باشد. اما اگر زوجه اختلال جنسی را بر اساس آخر تبصره ماده مذکور بخواهد اثبات کند، باید هم موضوع عسرورج (اختلال جنسی زوج) و هم وجود عسرورج ناشی از آن را در زندگی اثبات کند و صرف اثبات اختلال دلالت بر در عسرورج بودن زوجه در زندگی همیشه نخواهد داشت. اثبات وجود عسرورج دشوار است ولی موضوع عسرورج را با گواهی پزشکی قانونی می‌توان اثبات کرد.

۲- راهکارهای حقوقی پیشگیری از انحلال نکاح

با مراجعه به دادگاه‌های خانواده و تورق پرونده‌های مطروحه طلاق و فسخ نکاح، مشخص شد که حجم انبوهی از پرونده‌ها به دلیل وجود عیوب (اختلالات) جنسی در یکی از زوجین است، در صورتی که اگر در برخی از مواد قانون حمایت خانواده و قانون مدنی که بحث خواهد شد اصلاحاتی صورت بگیرد می‌تواند از طرح زیادی از پرونده‌های طلاق یا فسخ نکاح بکاهد و آمار انحلال نکاح را کاهش دهد. از جمله راهکارهای حفظ بنیان خانواده و پیشگیری از انحلال نکاح که درخور اهمیت است اصلاح مواد ۲۳ و ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی است که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۱- بازنگری ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده بیان می‌کند: "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون بیماری‌هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آن‌ها واکسینه شوند و نیز بیماری‌های واگیر و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادرشده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلا به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آن‌ها مطالبه و بایگانی کنند." تبصره- "چنانچه گواهی صادرشده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آن‌ها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می‌شوند در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد. " بنظر می رسد انجام این آزمایش‌ها از شرایط صحت عقد نکاح نمی باشد و اگر نکاح بدون انجام این آزمایش‌ها منعقد شود صحیح است. حتی با انجام این آزمایش‌ها در صورتی که فرد دارای بیماری مسری و یا مبتلا به بیماری غیر مسری مانند اعتیاد باشد از موانع نکاح نخواهد بود و با اطلاع طرفین از این بیماری‌ها نکاح ثبت خواهد شد. منتهی اگر فرد دارای بیماری مسری و خطرناکی باشد که وزارت بهداشت اعلام کرده است لازم است که تحت مراقبت قرار گیرد و حتی گاهی فرد منع از تولد و تناسل می‌شود ولی سایر بیماری‌های غیر مسری نیاز به اعمال مراقبت از فرد نیست. می‌توان عیوب (اختلالات) جنسی را نیز جزء مواردی دانست که باید همراه با سایر آزمایش‌ها بررسی شود زیرا اختلالات جنسی بین افراد حتی قبل از ازدواج ممکن است وجود داشته باشد و یکی از عوامل مهم امروزه در طلاق است. البته اختلالات جنسی در زمره بیماری‌های غیر مسری است و نیازی نیست که فرد دارای ناتوانی جنسی مانند بیماری‌های مسری تحت نظارت قرار گیرد.

داشتن روابط جنسی به طور متعارف از لوازم حسن معاشرت است و در صورتی که زن یا مرد از آن امتناع کند بر خلاف وظیفه حسن معاشرت عمل کرده است و ضمانت اجرای آن این است که اگر زن وظیفه حسن معاشرت خود را انجام ندهد ناشزه محسوب شده و نفقه او ساقط می‌گردد. اگر مرد سوء معاشرت داشته باشد زن می‌تواند به دادگاه شکایت کند و او را مجبور به حسن معاشرت کند و در صورتی که سوء معاشرت شوهر به حدی باشد که قابل تحمل نباشد زن می‌تواند تقاضای طلاق نماید (امامی و صفایی، ۱۳۹۷). لذا اگر یکی از آن‌ها اختلال جنسی داشته باشد، طبیعی است که نتواند وظیفه خود را نسبت به همسرش ایفا کند و حتی موجب خیانت نیز گردد. بنابراین شایسته است که طرفین قبل از نکاح اطلاع یابند که طرف مقابل شان ناتوانی جنسی دارد یا در سلامت می‌باشد تا بتوانند برای درمان به موقع اقدام کنند و از آثار سوء آن جلوگیری شود. پس به عنوان مقدمه متقدم، برای ثبت نکاح لازم است که توانایی جنسی زوجین مانند سایر آزمایش‌های دیگر بررسی گردد. این امر قاعداً می‌تواند موجب شود اگر زوجین قبل از ازدواج مبتلا به اختلالات جنسی باشند، به موقع این امر تشخیص داده شود و در نتیجه با توجه به قابل درمان بودن اکثر اختلالات جنسی به سهولت درمان صورت گیرد و در صورت لزوم فرد برای درمان تحت مراقبت و نظارت مراکز درمانی مربوطه نیز قرار بگیرد. اختلالات جنسی ممکن است ریشه جسمی داشته باشند و اگرچه رعایت حقوق و کرامت انسان مهم است و امکان ندارد معاینات فیزیکی را بدون رضایت او انجام داد، ولی تنها راه تشخیص اختلالات جنسی معاینات فیزیکی نمی‌باشد و بسیاری از اختلالات جنسی را می‌توان به شیوه‌های علمی دیگر سنجید. هم چنین باید با الزام کردن افراد قبل از ازدواج به شرکت در جلسات مشاوره مربوط به اختلالات جنسی سطح آگاهی آنان را در این خصوص بالا برد و از مشکلاتی که می‌تواند در طول زندگی ناشی شود جلوگیری کرد.

۲-۲- بازنگری ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

اگر طلاق به درخواست مرد یا طلاق به درخواست زن باشد، دادگاه طرفین را به داوری و اگر طلاق توافقی باشد زوجین را به مراکز مشاوره ارجاع می‌دهد (توکلی، ۱۳۹۷). در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده تصریح شده است که دادگاه باید کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی را برای ایجاد صلح و سازش به داوری ارجاع دهد. در مبحث سوم آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳ نیز موضوع ارجاع

طلاق توافقی به مراکز مشاوره تصریح شده است. طبق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده دادگاه طلاق توافقی را برای صلح و سازش به مراکز مشاوره باید ارجاع کند. ارجاع مسائل زوجین به مراکز مشاوره که نهادی تخصصی تر از داورى است امر مقبولی است و با توجه پیچیدگی مشکلات در بعضی امور، رفع آن‌ها باید تا حد امکان به صورت فنی و تخصصی انجام گیرد. پس با توجه به پیشرفت علوم در زمینه‌های مختلف و تربیت متخصصان در زمینه‌های گوناگون باید برای درمان ریشه‌ای مشکلات به مراکز تخصصی مراجعه شود و بدیهی است راهکارهایی که متخصصان برای رفع مشکلات ارائه می‌دهند نسبت به نظرات داوران که ممکن است تخصص لازم را نداشته باشند برتر است و نتیجه مطمئن‌تری خواهد داد. تلاش برای استحکام بنیان خانواده امری ضروری است و نباید به سادگی از این موضوع گذشت زیرا انحلال خانواده علاوه بر آسیبی که به زوجین و فرزندان می‌زند جامعه را هم با آسیب‌هایی مواجه می‌کند. این ماده موارد طلاق به درخواست زوج و زوجه را برای مراجعه به مراکز مشاوره الزامی نکرده ولی بنظر می‌رسد بهتر است دادگاه در مواردی که اختلاف زوجین ممکن است به مسائل جنسی‌شان مرتبط باشد کلیه درخواست‌های طلاق (نه صرفاً طلاق توافقی) را لزوماً به مراکز مشاوره یا سایر مراکز تخصصی مثل پزشکی قانونی ارجاع کند و اگر مرکز مشاوره‌ای در برخی مناطق تخصص کافی برای تشخیص و درمان عیوب (اختلالات) جنسی را ندارد باید موضوع را به سایر متخصصان ارجاع دهد و حتی شایسته است به منظور اطمینان بیشتر به عدم امکان سازش بین زوجین، دادگاه آن‌ها را علاوه بر مراکز مشاوره، همزمان به داورى هم در صورت لزوم ارجاع دهد این امر می‌تواند تا حد امکان از تزلزل بنیان خانواده بکاهد اما در سایر مشکلات زوجین که ریشه در امور جنسی آن‌ها ندارد در موارد طلاق به درخواست زوج یا زوجه دادگاه الزامی به ارجاع زوجین به مراکز مشاوره ندارد و در صورتی که مصلحت بداند می‌تواند آن‌ها را برای صلح و سازش ارجاع دهد. با فرض اینکه متخصصان اختلال جنسی را تشخیص دهد دادگاه باید تا جایی که امکان دارد در صورتی که درمان موجب ضرری بر فرد نباشد او را الزام به درمان نماید و مدتی مناسب برای درمان اختلال جنسی توسط متخصصین تعیین نماید. اگر فرد اقدام به درمان نکند و یا درمان موجب ورود ضرری بر او باشد یا با درمان به صورت موقت باشد در این حالت دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم الزام زوج به طلاق نماید در واقع دادگاه در اقدامی که برای اصلاح بین زوجین می‌نماید باید این به این موارد توجه کند.

۲-۳- بازنگری ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی

طلاق شرایطی دارد که بعضی از این شرایط اساسی و مربوط به ماهیت است و بعضی صوری و تشریفاتی و مربوط به نحوه بیان اراده و شکل خارجی طلاق است. این تشریفات شامل اجازه یا حکم دادگاه، داورى، تشریفات اجرای صیغه طلاق و ثبت طلاق می‌باشد. چون آزادی مطلق شوهر در طلاق با مصلحت اجتماعی سازگار نیست و تعالیم اسلامی هم طلاق را امر ناپسندی تلقی می‌کند بر اساس ماده ۱۱۳۳ اصلاحی قانون مدنی در مواردی که شوهر می‌خواهد به استناد این ماده زن خود را طلاق دهد باید به دادگاه مراجعه نماید و دادگاه موضوع را به داورى ارجاع کند تا در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به او داده خواهد شد. هم‌چنین اگر زن در مواردی که قانون اجازه داده است خواستار جدایی از شوهر خود باشد ارجاع به داورى لازم است و در صورت اعلام نظر داوران مبنی بر عدم امکان سازش

دادگاه می‌تواند حکم طلاق صادر و شوهر را ملزم کند تا زن را طلاق دهد. البته ارجاع به داوری اختصاص به طلاق ندارد و در سایر موارد اختلاف و ناسازگاری بین زوجین ممکن است دادگاه آن‌ها را به داوری ارجاع دهد. در طلاق توافقی طبق ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده ارجاع به داوری لازم نیست (امامی و صفایی، ۱۳۹۷).

بنظر می‌رسد با توجه به اینکه در ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی تصریح شده "در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست." در فسخ نکاح به موجب عیوب (اختلالات) جنسی شایسته است قانون گذار در ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی بازنگری نماید تا در راستای حفظ خانواده تصریح گردد در مواردی که علت فسخ نکاح عیوب جنسی است دادگاه زمانی باید حکم فسخ نکاح را صادر کند که قبل از صدور حکم فسخ مانند طلاق که دادگاه قبل از صدور گواهی عدم امکان سازش و حکم الزام زوج به طلاق آن‌ها را برای ایجاد صلح و سازش به داوری و مراکز مشاوره ارجاع می‌کند همین اقدام را در خصوص عیوب جنسی هم انجام بدهد و زوجین را برای درمان به مراکز تخصصی معرفی نماید. لذا وقتی فرد تقاضای صدور حکم بر تأیید فسخ نکاح از دادگاه دارد معمولاً دادگاه برای احراز موضوع فسخ، به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهد اگر پزشکی قانونی وجود عیب را در فرد تأیید کند در این صورت دادگاه نباید در مرحله اول حکم فسخ صادر نماید بلکه باید اقدامات لازم را برای صلح و سازش بین زوجین انجام بدهد و برای این منظور فردی که دارای عیب جنسی است را اگر درمان ضروری به او وارد نکند الزام به درمان نماید و اگر درمان مؤثر نباشد بعد دادگاه حکم فسخ نکاح صادر کند. در واقع دادگاه باید تاجایی که ممکن است جلوی فروپاشی خانواده را در صورتی که عیب قابل درمان است و درمان ضرر وارده به فرد را از بین می‌برد بگیرد. بنابراین دادگاه باید عیبی را احراز نماید که کلاً قابل درمان نیست و یا در صورت درمان هنوز عیب با درجه کم تر در فرد وجود داشته و به گونه ای باشد که ادامه زندگی برای شریک او به دلیل عدم درمان کامل دشوار باشد. البته همان‌طور که بحث شد بهتر است اگر عیب قابل درمان باشد بین حق فسخ نکاح در عیوب مختص زوجه و عیوب مختص زوج تفاوت گذاشت بدین صورت که بعد از تشخیص عیب جنسی در صورتی که عیب از عیوب جنسی مختص زوج باشد بعد از تشخیص عیب و الزام به درمان اگر عیب به طور کامل درمان نشود دادگاه باید عیب جنسی را محرز بداند و حکم فسخ نکاح را صادر نماید اما اگر عیب از عیوب مختص زوجه باشد و عیب جنسی به طور کامل درمان نشود ولی آمیزش جنسی امکان پذیر باشد دادگاه بهتر است این موارد را عیب محسوب نکند. برخی از آرای فسخ نکاح دادگاه خانواده شیراز مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد:

در خصوص دادخواست خانم ... فرزند... به طرفیت آقای... هردو اهل و ساکن شیراز به خواسته فسخ نکاح نظر به این که خواهان و وکیلش آقای... مطابق دادخواست تقدیمی توضیح داده اند نامبرده خواهان همسر شرعی و قانونی خوانده بوده که از زمان زوجیت که ۴ سال می‌گذرد، زوج به دلیل ابتلا به بیماری عنین قادر به اعمال زناشویی و مقاربت های جنسی نبوده، بدین جهت تقاضای فسخ نکاح را داشته و بر اثبات دعوی خود تصاویر مصدق اسناد سجلی و نکاح‌نامه ش ۱۵۵۰۵ از دفتر ازدواج ش ۱۸۳ شیراز را تقدیم دادگاه نموده و نیز خواستار معرفی زوجین به پزشکی قانونی شده از جانب دیگر خوانده دعوی در جلسه دادرسی با قبول رابطه زوجیت خود دعوی خواهان را رد کرده است. بنابراین دادگاه با عنایت به فنی بودن موضوع و استلزام ارجاع آن به پزشکی قانونی، زوجین را معرفی به پزشکی قانونی کرده که زوج از معرفی

خود به پزشکی قانونی امتناع ورزیده و دادگاه در اجرای مقررات ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی که فاقد ضمانت اجرا بوده مجدداً زوج را برای معرفی به پزشکی قانونی برای کشف موضوع معرفی شود و با اصدار به این که نیاز شرعی و قانونی دارم مؤکداً درخواست صدور حکم قانونی را از دادگاه داشته، لذا بدین وسیله دادگاه با توجه به اینکه پزشکی قانونی به صراحت اعلام داشته، زوجه باکره و غیرمدخوله است و نیز گواهی پزشکی مسجل شده جراح و متخصص به شرح منعکس در پرونده مبین ابتلای زوج به ناتوانی جنسی بوده، این قرائن و شواهد را مبتنی بر معیوب بودن زوج به بیماری عنن تلقی کرده و با احراز رابطه زوجیت طرفین دعوی خواهان را در چنین وضعیتی قابل اثبات تشخیص داده و در اجرای مقررات ماده ۱۱۲۲ از قانون مدنی حکم به فسخ نکاح زوجیت طرفین صادر و اعلام می‌دارد.

در خصوص دادخواست آقای فرزند..... به طرفیت..... فرزند..... هر دو اهل و ساکن شیراز به خواسته فسخ نکاح نظر به این که خواهان و وکیلش آقای... مطابق دادخواست تقدیمی، اجمالاً توضیح داده اند، خوانده همسر شرعی و قانونی خواهان بوده و به دلیل ابتلا به بیماری قرن، تقاضای فسخ نکاح را از دادگاه داشته و بر اثبات ادعای خود تصاویر مصدق اسناد سجلی و نکاح نامه ش ۹۳۱۳ صادره از دفتر ازدواج ش ۳۵ شیراز را تقدیم دادگاه نموده و از جانب دیگر خوانده دعوی در دادرسی حاضر نشده، بنابراین دادگاه با عنایت به این که موضوع فنی بوده و مستلزم ارجاع به پزشکی قانونی بوده که به همین جهت زوجه معرفی و مطابق استعلام ش ۷۱۱/۸۵۱ زوجه مبتلا به بیماری قرن نبوده بدین وسیله دادگاه دعوی خواهان را در چنین وضعیتی قابل اثبات تشخیص نداده و در اجرای مفهوم مخالف مقررات ماده ۱۱۲۳ از قانون مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر می‌نماید. بنظر می‌رسد در مورد این دو رأی باید بیان کرد اقدام دادگاه در مورد ارجاع موضوع به کارشناس و حکم به فسخ نکاح با تأیید نظر پزشکی قانونی اقدامی صحیح است زیرا سبب می‌شود از انحلال نکاح به استناد نظرات و ادله متخصصان جلوگیری شود اما باید دادگاه از پزشکی قانونی بخواهد یک دوره درمان بر اساس هر عیب معین کند و بعد فرد در صورتی که درمان موجب ورود ضرر به او نباشد ملزم به درمان شود و اگر فرد اقدام به درمان نکرد یا درمان ممکن نشد در این صورت دادگاه حکم به فسخ نکاح دهد.

بحث و نتیجه گیری

از آن جا که عیوب (اختلالات) جنسی می‌تواند سبب انحلال نکاح و فروپاشی خانواده گردد بهتر است از طریق راهکارهای حقوقی و بازنگری در برخی از مواد قانون مدنی و قانون حمایت خانواده به دوام بنیان خانواده و کاهش انحلال نکاح کمک کرد. به موجب عیوب مصرح در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی زوجین حق فسخ نکاح دارند. در صورتی که عیب قابل درمان باشد با اینکه در خصوص حق فسخ بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد اما به منظور دوام بنیان خانواده و حفظ حقوق زوجین بهتر است بین عیوب زوج و زوجه در صورت قابلیت درمان تفاوت قائل شد و برای زوجه در شرایطی هم چنان حق فسخ قائل بود. در صورتی که عیب جزء مصادیق مصرح در قانون که سبب حق فسخ هستند نباشند زوجین حق تقاضای طلاق دارند. براساس قاعده فقهی "الطلاق بید من اخذ بالساق" طلاق در اختیار زوج می‌باشد و زوجه دارای این اختیار نیست اما بر اساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی در مواردی که ادامه زندگی

زوجه همراه با عسرو حرج باشد حق دارد تقاضای طلاق کند. مطابق تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصادیق موجب عسرو حرج تمثیلی است و اختلالات جنسی نیز می‌تواند یکی از آن مصادیق به حساب آید ولی از آن‌جا که اثبات عسرو حرج برای زوجه مشکل است به نظر می‌رسد، باتوجه به حصری بودن عیوب جنسی موجب فسخ نکاح در قانون مدنی و عدم تصریح تمام اختلالات جنسی در قانون شایسته است جهت حفظ حقوق زوجه اختلالات جنسی در تبصره ماده مذکور تصریح گردد. هم‌چنین از آن‌جا که اختلالات جنسی عاملی مؤثر در انحلال نکاح هستند اگر مواد ۲۳ و ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی مورد بازنگری قرار گیرند در کاهش آمار انحلال نکاح نقش مهمی خواهند داشت. از بازدیدی که در دوره ای کوتاه از دادگاه خانواده شیراز شد و پرونده‌هایی که در آن بازه زمانی در موارد فسخ و طلاق به درخواست زوجه مورد مطالعه قرار گرفت، بیشتر پرونده‌هایی که حکم به فسخ نکاح داده شده بود پرونده‌هایی به خواسته فسخ و یا دلیل عیب عنن و هم‌چنین پرونده‌هایی به خواسته فسخ نکاح به موجب تدلیس زوج یا زوجه بود. لذا به سبب مطرح بودن پرونده‌هایی به موجب اختلالات جنسی در دادگاه‌ها که منجر به طلاق و یا فسخ نکاح می‌گردد، پیشنهادهایی که منجر به حفظ خانواده و کاهش انحلال نکاح خواهد شد ارائه می‌گردد:

۱. در مرحله اول باید در تمامی شعب دادگاه‌های خانواده قاضی مشاور زن وجود داشته باشد تا زوجه به راحتی بتواند مشکل خود را که ممکن است، اختلال جنسی خودش یا شوهرش باشد مطرح کند و این امر طبیعتاً می‌تواند ریشه اختلاف بین زوجین را مشخص کند تا اقدامات لازم در جهت آن صورت گیرد.
۲. می‌توان با تهیه بسته‌های آموزشی یا برگزاری کلاس‌های حضوری در مورد علائم اختلالات جنسی و شیوه‌های درمان آن‌ها سطح آگاهی زوجین را قبل از ازدواج و یا در طول زندگی مشترک بالا برد که این امر در کاهش طلاق مؤثر خواهد بود.
۳. هم‌چنین باید زوجین به این باور برسند که در صورت وجود اختلال جنسی در طرف مقابل آن شخص مجرم نیست که زندگی با او غیر ممکن شود بلکه آن شخص بیمار است و در درجه اول با توجه به پیشرفت علم پزشکی و قابل درمان بودن اختلالات جنسی، طرف مقابل باید کمک کند تا بیماری او درمان شود و در درجه دوم اگر اقدامات مؤثر نبود و ادامه زندگی موجب عسرو حرج باشد آن موقع در مورد انحلال نکاح تصمیم بگیرند.
۴. اگر زوجین به مراکز مشاوره ارجاع شدند و متخصصان مربوطه، مشکلی خاص مانند وجود اختلالات جنسی را در افراد مشاهده نکردند بعد دادگاه آن‌ها را به نهاد داوری ارجاع دهد تا شاید مؤثر واقع گردد. در واقع در برخی اوقات که دادگاه مصلحت بداند باید پروسه طلاق را طولانی کند تا شاید زوجین به زندگی برگردند.

موازین اخلاقی

در نگارش پژوهش تمامی موازین اخلاقی رعایت گردید.

سپاسگزاری

از تمام اشخاص بزرگواری که در مراحل انجام پژوهش همکاری داشتند کمال تشکر داریم.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان این مقاله در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشتند.

تعارض منافع

در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد.

منابع

- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهدب ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اصغری، منصوره. (۱۳۹۲). تبیین حقوقی- روان‌شناختی تأثیر اختلالات جنسی هر یک از زوجین در انحلال نکاح. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس. امامی، سید حسن. (۱۳۴۰). حقوق مدنی ج ۴. انتشارات اسلامی.
- امامی، اسدالله، و صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۷). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۱۳۹۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5. ترجمه: رضاعی، فرزین، فخرایی، علی، فرمند، آتوسا؛ نیلوفری، علی، هاشمی آذر، ژانت، و شاملو، فرهاد. تهران: انتشارات ارجمند. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۱۳).
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). رساله کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- توکلی، محمدمهدی. (۱۴۰۰). حقوق مدنی ج ۲. تهران: مکتوب آخر.
- جلالی، سیدمهدی. (۱۳۸۸). اختیار زوجه در طلاق در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی. تهران: انتشارات خرسندی.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه ج ۲۱. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه السلام).
- حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). المدب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خورسندیان، محمدعلی. (۱۳۸۳). اختلالات جنسی و بررسی آثار آن بر حقوق خانواده. مجله پزشکی قانونی، ۱۰(۳۵): ۱۶۶-۱۷۴.
- بارلو، دیوید اچ، و مارک دیورند، وی. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی روانی. ترجمه: مهرداد فیروز بخت. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، بی تا)
- دیویسون، جرالده، نیل، جان، کرینگ، ان ام، و جانسون، شری ال. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی روانی ج ۲. ترجمه: مهدی دهستانی. تهران: نشر ویرایش. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۱۴).

ریاضت، زینب، و حاجی علی، فریبا. (۱۳۹۰). نقش رویه قضایی در اجرای مفاد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳(۵۱): ۱۸۱-۲۱۲.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۶ق). نظام النکاح فی الشریعۃ الاسلامیه الغراء. قم: مؤسسه الان الصادق (علیه السلام).

سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام. قم: مؤسسه المنار دفتر حضرت آیت الله سبزواری. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام ج ۸. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). دوره حقوق مدنی خانواده ج ۱. تهران: انتشارات سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). قانون مدنی در نظم کنونی. تهران: نشر میزان.

کدوری، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر درمان عیوب نکاح بر حق فسخ از دیدگاه مذهب امامیه و حنفیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اردکان.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الاسلامیه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گروه علمی مؤسسه آموزش عالی چتر دانش. (۱۳۹۴). قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نموداری. تهران: انتشارات چتر دانش.

گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش. (۱۳۹۴). قانون مدنی همراه با اعراب گذاری. تهران: انتشارات چتر دانش.

فروتین، سید کاظم، و غدیری، ماهرو. (۱۳۸۷). اختلالات جنسی، عامل پنهان طلاق: ضرورت حضور پزشک آموزش دیده در ترکیب کارشناسان مراکز مشاوره خانواده. فصلنامه خانواده پژوهی، ۴(۱۶/۱): ۵۸۵-۶۰۸.

قربانی لاچوانی، مجید. (۱۴۰۰). حقوق مدنی. تهران: انتشارات چتر دانش.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح ج ۵. قم: انتشارات مدرسه علی بن علی ابی طالب (علیه السلام). میرداداشی، سیدمهدی. (۱۳۸۹). تأملی نو بر عیوب موجب فسخ نکاح. حقوق اسلامی. سال ۷ (۲۴): ۶۱-۸۵.

References

- American Psychiatric Association. (2014). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5) (R. Rezaei, A. Fakhraei, A. Formand, A. Nilofari, J. Hashemi Azar, & F. Shamloo, Trans.). Tehran, Iran: Arjmand Publications. (Original work published 2013).
- Ansari Dezfuli, M. ibn M. A. (1995). Risaleh Kitab al-Nikah. Qom, Iran: The World Congress in Commemoration of Sheikh Azam Ansari.
- Asghari, M. (2013). Legal-Psychological Explanation of the Impact of Sexual Disorders in Each of the Spouses on Marriage Dissolution (Master's thesis). Tarbiat Modares University, Faculty of Literature and Humanities, Tehran, Iran.
- Barlow, D. H., & Durand, V. M. (2016). Abnormal Psychology (M. Firooz Bakht, Trans.). Tehran, Iran: Rasa Cultural Services Institute. (Original work date not available).
- Davison, G., Neale, J. M., Kring, A. M., & Johnson, S. L. (2016). Abnormal Psychology (Vol. 2) (M. Dehastani, Trans.). Tehran, Iran: Virayesh Publications. (Original work published 2014).
- Emami, A., & Safaei, S. H. (2018). Concise Family Law. Tehran, Iran: Mizan Publishing.
- Emami, S. H. (1961). Civil Law (Vol. 4). Tehran, Iran: Islamic Publications.

- Forutan, S. K., & Ghodrati, M. (2008). Sexual Disorders as a Hidden Cause of Divorce: The Necessity of the Presence of Trained Physicians in Family Counseling Centers. *Family Research Quarterly*, 4(16), 585-608.
- Haraamali, M. ibn H. (1989). *Wasa'il al-Shi'ah* (Vol. 21). Qom, Iran: Al al-Bayt Institute.
- Helli, A. ibn M. (1985). *Al-Muhazzab fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'*. Qom, Iran: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Barraji Tarabulsi, A. (1985). *Al-Muhadhdhab* (Vol. 2). Qom, Iran: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Jalali, S. M. (2009). *The Right of Wife in Divorce in Iranian Law with a Comparative Study*. Tehran, Iran: Khorsandi Publications.
- Kaduri, M. (2016). *The Effect of Marriage Defects on the Right of Divorce from the Perspective of Imamia and Hanafi Schools of Thought* (Master's thesis). Ardakan University, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ardakan, Iran.
- Katouzian, N. (2013). *Civil Law in the Current Order*. Tehran, Iran: Mizan Publishing.
- Katouzian, N. (2015). *Family Civil Law* (Vol. 1). Tehran, Iran: Chetradanesh Publications.
- Khorsandian, M. A. (2004). Sexual Disorders and Their Effects on Family Law. *Legal Medicine Journal*, 10(35), 166-174.
- Kulayni, M. ibn Y. (1986). *Al-Kafi*. Tehran, Iran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Riyazat, Z., & Haji Ali, F. (2011). The Role of Judicial Procedure in the Implementation of the Provisions of Article 1130 of the Civil Code. *Women's Socio-Cultural Council Journal*, 13(51), 181-212.
- Sabhani Tabrizi, J. (1997). *Nazam al-Nikah fi al-Shari'ah al-Islamiyyah al-Gharra*. Qom, Iran: Al-Sadiq Institute.
- Sabzevari, S. A. (1992). *Muhadhdhab al-Ahkam*. Qom, Iran: Al-Ma'arif Islamic Institute.
- Scientific Group of Azad Chetradanesh Higher Education Institute. (2015). *Civil Law with Explanations*. Tehran, Iran: Chetradanesh Publications.
- Scientific Group of Chetradanesh Higher Education Institute. (2015). *Family Protection Law of 2012 Illustrated*. Tehran, Iran: Chetradanesh Publications.
- Tavakoli, M. M. (2021). *Civil Law* (Vol. 2). Tehran, Iran: Maktoob Akhar.
- Tusi, M. ibn H. (1986). *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran, Iran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

The effect of sexual disorders on divorce dissolution and legal strategies to prevent it

*Fatemeh. Azad Sarvestani**¹ & Mahbobeh. Mina²

Abstract

Aim: The purpose of the present study is to review some of the provisions of the Family Protection Act of 2012 and civil law to prevent the collapse of the family in a case whose subject is the sexual defects. **Method:** The present study uses a descriptive-analytical method and has been written using judicial opinions, books, dissertations and valid articles. **Results:** According to the findings of this study, in order to strengthen the family's foundation, couples' sexual disorders must be examined before marriage registration, and the dissolution of marriage due to termination and divorce should also be required to reform their couples. Treatment. In order to protect the rights of the wife under certain circumstances, although the couple's defect is treatable, the right to terminate the marriage for the wife remains a fault, and by providing sexual disorders in Article 6 of the Civil Code, the difficulty of proving the spouse shall be abolished. **Conclusion:** Sexual disorders that are treatable should not be considered as the dissolution of marriage, and the court should refer the couples to specialized centers for treatment. Reviewing some of the provisions of the Civil Code and the Family Protection Act of 2012 can cause timely diagnosis and treatment of couples' sexual disorders and reduce the number of marriage dissolution statistics.

Keywords: *Divorce at the request of the wife, divorce in the laws of Islamic countries, sexual defects (disorders), annulment of marriage*

1. ***Corresponding author:** Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Iran

Email: z.azad9724@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Iran